

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیف خدایاری

به نقل از کارگری خپه ۲۵

کارگران افغانی قربانیان درجه چندم

بیش از سی سال است افغانستان به صحنه رقابتهای جنگ سردی، پسا جنگ سردی، تروریسم اسلامی و مالیخولیای کسب قدرت در منطقه تبدیل شده است. در سی سال گذشته صدها هزار نفر در "جنگ های داخلی" در افغانستان کشته شده اند، میلیونها نفر بی خانمان شده و جمعیتی ملیونی از آنها آواره کشورهای همسایه و سایر کشورهای جهان شده اند.

ایران و پاکستان به خاطر هم مرز بودن با افغانستان بیشترین مهاجران یا آوارگان افغانی را داشته اند. در طول جنگ ایران و عراق به دلیل تأمین نیروی کار ارزان در پائین ترین مراتب شغلی وجود کارگران افغانی در ایران نه تنها محسوس نبود، بلکه برکتی برای سرمایه داران به شمار می آمد. در آن دوران هر چند کارگران افغانی تحت شدیدترین درجه استثمار، بی حقوقی و بهره کشی از جانب سرمایه داری قرار می گرفتند اما در سکوت و بردگی مضاعف وضعیت موجود را پذیرفته و قربانیان خاموش بردگی مزدی در ایران بودند. اما در چند سال گذشته به ویژه بعد از عروج بحرانهای شدید اقتصادی در ایران، صعود بی سابقه بیکاری، تعطیل شدن مراکز تولیدی در کشور و همزمان بالا رفتن جرم و جنایت در جامعه که از عوارض وضعیت اقتصادی است، وجود کارگران افغانی در ایران به یکی از موضوعات روز جامعه ایران تبدیل شده است.

جمهوری اسلامی که از هر پدیده ای استفاده سیاسی می برد، با عروج معضلات اجتماعی در جامعه، برای شانه خالی کردن از مسؤولیت هائی که کمترین احساس وظیفه در قبال آنها نمی کند هر از چند گاهی با برجسته کردن موضوع افغانی های ساکن در ایران بخش عمده ای از بحران های موجود در کشور را روی دوش آنها سوار می کند. در چند سال گذشته اخراج افغانی ها از ایران و دستبرد به اموال و دارائی های ناچیز آنان به داستان زندگی افغانی های ساکن ایران تبدیل شده است.

به علاوه جمهوری اسلامی، بخشی از جامعه که به یمن وجود نیروی کار ارزان "وطنی خود را از وجود "افغانه" بی نیاز می بیند، همصدا با دولت با سوژه قرار دادن موضوعاتی مانند جرم و جنایت، قاچاق مواد مخدر، دزدی و سایر آسیب های اجتماعی که دامنگیر جامعه شده است احساسات عقب مانده و ناسیونالیستی مردم را تحریک کرده و آنها را مورد تعرض نژاد پرستانه خود قرار داده اند. در بسیاری از موارد با ایجاد شکاف میان کارگران ایرانی و افغانی عملاً راه استثمار طبقه کارگر را هموارتر کرده اند. برای نمونه به خبری از اعتراض کارگران توجه کنید: "نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران مترو و علاوه بر آنها ۸۰۰ نفر افغانی بیش از شش ماه است حقوق دریافت نکرده اند!"

تعدادی از "کارشناسان، ژورنالیست ها، روان شناسان" که دنیا را از زاویه سکه های دریافتی روزانه خود می بینند، وانسانها را به سوژه خود تبدیل کرده اند نیز به این موج ضد افغانی در کشور پیوسته و ترهای مشعشع خود در رابطه با بیماریهای روحی و روانی افراد و نابسامانیهای اجتماعی را به وجود افغانی ها در کشور پیوند می زنند. اخیراً در گزارش یکی از سایت های خبری آمده بود: "حضور بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار افغانی ضمن اشغال یک میلیون و ۶۰۰ هزار فرصت شغلی در کشور، باعث بروز مشکلات و معضلاتی در حوزه های امنیتی، بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی شده است. کارشناسان و مقامات امنیتی و انتظامی آگاه در این زمینه، نفوذ فرهنگ بیگانه از طریق ازدواج افغانه با هموطنان ایرانی؛ شیوع بیماری های واگیردار به دلیل عدم نظارت شبکه های بهداشت و درمان کشور، بروز نابسامانی های اقتصادی و بالاخره صرف شدن هزینه و انرژی زیاد از سوی پلیس در این مورد را ازجمله آسیب ها و خطرات جدی وجود افغانه غیر مجاز دانسته اند."

کسی که با وضعیت سیاسی - اجتماعی جامعه ایران کمترین آشنائی دارد به درستی می داند که افغانیان مقیم ایران از کمترین حقوق اجتماعی برخوردار بوده و هیچ سطحی از استاندارد یک زندگی متوسط را نداشته اند. اغلب آنها کارگرانی هستند که در بخش ساختمان و کشاورزی در بدترین شرایط و با کمترین دستمزد و بدون برخورداری از خدمات درمانی و بیمه های اجتماعی کار می کنند. دولت کمترین تضمینی در قبال زندگی و امنیت آنها نداشته و طبق منافع خود از آنها بهره کشی کرده است.

جمهوری اسلامی عامل اصلی بیکاری، فقر، اعتیاد و جرم و جنایت در جامعه است. نباید با تقلیل آسیب های اجتماعی در جامعه به "افغانه" دست دولت و دسته جات فاشیست را در تعقیب و آزار کارگران و مردم محروم و شریف افغانی باز گذاشت. آنان مانند میلیونها مهاجر هستند که در چهارگوشه دنیا دنبال امنیت و زندگی بهتری می گردند که از بد حادثه و حسن همجواری! در ایران گرفتار شده اند و در فقر و فحشاء و جنایتی که سرمایه داران و دولتشان بر جامعه تحمیل کرده اند "سهیم" شده اند. شهروندان افغانی در ایران باید تسلیم وضعیت موجود نشوند و حقوق شهروندی خود را تمام و کمال از جمهوری اسلامی بخواهند. افرادی هم که بصورت غیرقانونی" در کشور زندگی می کنند مانند سایر شهروندان باید از امنیت برخوردار باشند. کارگران و همه انسانهای آزادیخواه کمونیست وظیفه دارند در مقابل موج ضد افغانی که توسط جمهوری اسلامی و عوامل ریز و درشت رسانه ای اش به راه افتاده است مقابله کنند و سیاست های فاشیسم اسلامی و ناسیونالیستی در قبال هم سرنوشتان خود را افشاء کنند.

کارگران افغانی ساکن ایران بخشی از طبقه کارگر، بخشی از سازندگان و صاحبان واقعی سود و ثروت در این جامعه اند. امروز اگر نوک تیز حمله بورژوازی ایران و دولتش همراه با خیل مدیای نوکر و نان به نرخ روز خورش متوجه این بخش از طبقه کارگر است، امروز اگر این بخش از طبقه کارگر به نام خارجی، افغانی و .. مورد تعرض قرار گرفته اند، فردا بخشهای دیگر ما زیر نام های دیگری در معرض یورش لجام کسیخته دولت قرار خواهیم گرفت. حمله به کارگران افغانی به هر بهانه ای حمله به کل طبقه کارگر است و در مقابل آن باید ایستاد.